

بسم الله الرحمن الرحيم

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ (ص: ۲۹)

این کتابی است پر از خیر و برکت که آن را نازل کرده و به نزد تو فرستادیم تا در آیاتش تدبیر کنند و بیندیشند، و عاقلان متنبه شوند و [فطرت فراموش شده را] به یاد آورند.

أَفَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا (محمد: ۲۴)

آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند؟ البته دل‌هایی [هست که] قفل بر آن نهاده شده است!

از این دو آیه و نیز برخی آیات دیگر، به خوبی اهمیت تدبیر و تأمل در آیات و عبارات قرآن کریم، فهمیده می‌شود. لازمه تدبیر در آیات، فهم دقیق معانی الفاظ آنهاست که متأسفانه بیشتر مسلمانان غیر عرب‌زبان از آن محروم هستند؛ و شاید بتوان ادعا کرد که حتی عرب‌زبانان معاصر هم برای فهم بخش قابل ملاحظه‌ای از آیات قرآن کریم نیازمند توضیح و تبیین هستند.

فهم دقیق ظواهر الفاظ قرآن کریم که بدان اشاره کردیم، مبانی و مقدماتی دارد؛ از جمله:

- فهم دقیق معانی تک واژه‌ها، که به آنها مفردات قرآن گفته می‌شود و «علم صرف و اشتقاق» و «علم اللغه» متکفل بیان آن است.

- فهم دقیق ترکیب‌ها، که «علم نحو»، و «علم بلاغت» - بخش معانی و بیان - تبیین آن را به عهده دارد.

هرچند برای دست‌یابی به هدف فوق‌زحمات زیادی کشیده شده - از جمله: ترجمه‌های متعدد قرآن، تدوین تفسیرهایی به زبان فارسی، ترجمه بعضی تفاسیر از عربی به فارسی، تألیف لغت‌نامه‌هایی در مورد کلمات قرآن به زبان فارسی، ترجمه لغت‌نامه‌هایی در مورد کلمات قرآن از عربی به فارسی و ... - ولی با این همه، همچنان احساس می‌شود که فعالیت‌های تکمیلی دیگری در زمینه‌های واژه‌شناسی و ترکیب‌شناسی مورد نیاز است، و هنوز بعضی از الفاظ و ترکیبات قرآن کریم به صورت دقیق و موثکافانه مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

مجموعه «در محضر قرآن» تلاشی است برای برطرف کردن این نیاز و فهم بهتر مفردات و ترکیبات عبارات قرآن کریم.

در این مجموعه سعی شده است با تکیه بر منابع تخصصی و دست‌اول به نکات ادبی، لغوی و بلاغی آیات - در حدی که به فهم دقیق ظواهر الفاظ کمک کند - پرداخته شود؛ و بجز مواردی اندک، به تفسیر آیات اشاره‌ای نشده است. به عبارت دیگر، این مجموعه، تفسیر نیست بلکه مجموعه‌ای است ادبی و لغوی که می‌تواند کمک کار کسانی باشد که در حد متوسطی با زبان عربی آشنا هستند، ولی این مقدار آشنایی با عربی برای فهم دقیق معانی همه کلمات و ترکیب‌های قرآن، برایشان کافی نیست و نیاز دارند برای دست‌یابی به این هدف به کتب تخصصی لغت، صرف، نحو، بلاغت و تفسیر مراجعه کنند، که یا توان علمی و یا وقت آن را ندارند. لذا می‌توان گفت: مخاطب اصلی این مجموعه، مخاطبی خاص است - مانند طلاب حوزه‌های علمیه و دانشجویان رشته‌های الهیات و ادبیات عرب - و نه عموم مردم.

در اینجا برای روشن‌تر شدن مطلب به ذکر چند مثال می‌پردازیم:

\* کلمه «دون» که معمولاً در زبان فارسی با کلمه «غیر» ترجمه می‌شود، معانی متعدد دیگری نیز دارد که بسیاری از

عربی آموزان از آنها بی اطلاع هستند؛ در نتیجه در درک معنای آیاتی مثل: «وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ» (رحمن: ۶۲) یا «قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (جمعه: ۶) متحیر می‌مانند، یا به جای معنای صحیح این آیات معنای غلطی از آنها می‌فهمند.

«دون» در آیه اول به معنای «پایین تر» و در آیه دوم به معنای «نه» است؛ توضیح این که:

کلمه «دون»، در اصل، ظرف غیر متصرف است؛ مثل قبل و بعد، و به معنای «پایین» (ضد فوق) می‌باشد: «ترد ظرفاً نقیض «فوق» فلا تتصرف علی المشهور» (الاتقان، النوع الرابعون). «و معنی «مِنْ دُونِهِمَا» ای أنزل درجه و أَحَطَّ فضلاً و شرفاً منهما» (المیزان). البته بعضی «دون» را در این آیه به معنای دیگری نیز دانسته‌اند از جمله همان معنای مشهور یعنی به معنای «غیر»: «يَحْتَمِلُ أَنْ «دون» بِمَعْنَى «غَيْر»» (التحریر).

و اما «دون» در آیه دوم به معنای نفی اشتراک و بیان اختصاص چیزی به کسی است، که می‌توان آن را در فارسی معادل «نه» دانست؛ مثل: «هذا قلمي دونك» (این قلم من است، نه تو). و مثل «دون» در «قل ان كانت لكم الدار الآخرة عند الله خالصة من دون الناس ...» (بقره: ۹۴) که ابوحیان در باره‌اش چنین می‌گوید: «و «دون» هنا لفظ يستعمل للاختصاص و قطع الشركة. تقول: «هذا لي دونك» و انت تريد: لا حقَّ فيه لك معي و لا نصيبَ ...» (بحر).

لازم به ذکر است که در لسان العرب، نه معنا برای «دون» ذکر شده است که در این مجموعه در موارد خود به آنها اشاره شده است.

نکته دیگر اینکه «من» در عبارت «من دون» ترجمه نمی‌شود؛ همچنان که در عباراتی نظیر «من قبل» و «من بعد» چنین است. به عبارت دیگر، «من» بر سر ظروف (مانند: دون، قبل، بعد) به ندرت معنای «ابتداء غایت» دارد؛ بلکه به معنای «فی» است. عباس حسن می‌گوید: «أَنَّ تَكُونَ [مِنْ] دَالَّةٌ عَلَى الظرفية ... فتكون بمعنى «فی» التي للظرفية. و يدخل فی هذا النوع «من» الداخلة على «قبل و بعد و ...» اما مجيئها لابتداء الغاية فقليل ...» (النحو الوافي، ج ۲، ص ۴۲۸، متن و حاشیه).  
\*مثالی دیگر: کلمه «صدق» در ترکیباتی مثل: «قَدَمَ صِدْقٍ» (یونس: ۲) و «مُدْخَلَ صِدْقٍ» و «مُخْرَجَ صِدْقٍ» (اسراء: ۸۰) و «وَعَدَ الصُّدُقِ» (احقاف: ۱۶) بر خلاف تصور بسیاری، به معنای «راستی و راستگویی» نیست، بلکه به معنای «نیکو» و «مورد پسند» است؛ توضیح این که:

در عربی برای بیان نیک و پسندیده بودن هر چیزی آن را با کلمه «صدق» همراه می‌کنند، و کلمه «صدق» در این اسلوب معنای «راستگویی» ندارد. مثلاً گفته می‌شود: «هُوَ خَلْفُ صِدْقٍ مِنْ أَبِيهِ» (اساس البلاغه، ماده «خلف»)، یعنی «او فرزند خوب و شایسته‌ای است برای پدرش». و نیز «هُوَ رَجُلٌ صِدْقٌ وَ هُمْ قَوْمٌ صِدْقٌ وَ لَهُ قَدَمٌ صِدْقٍ وَ كَذَلِكَ كُلُّ مَا كَانَ رِضاً [هر چه مورد پسند است]» (اساس البلاغه، ماده «صدق»).

و نیز موارد متعددی از کلمات قرآن که هر چند این پیچیدگی معنایی را ندارند، ولی دست یافتن به معانی آنها برای کسانی که با کتب لغت و تفسیر آشنایی ندارند، دشواری‌هایی خواهد داشت. این دشواری‌ها در موارد صرفی، نحوی و بلاغی هم دیده می‌شود.

\*مثالی از نحو: اکثر عربی آموزان از موارد مختلف کاربرد «ان»، فقط کاربرد شرطی آن به معنای «اگر» را می‌شناسند، لذا «ان» را در عباراتی مثل: «وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَفِي ضَلَالٍ مَبِينٍ» (جمعه: ۲) به «اگر چه» ترجمه می‌کنند، حال آنکه «ان» در چنین مواردی، به دلیل وجود «لام» مفتوحه در خبر فعل «كان»، مخففه از ثقیله و به معنای «قطعا» و «بدرستی که» است؛

ابن هشام می گوید: «و حیث وجدت إن و بعدها اللام المفتوحة ... فاحکم علیها بأن أصلها الشدید» (معنی؛ بحث «إن»).  
\*مثالی از بلاغت: کلمه «انما» به «ادات حصر» و «ما» در آخر آن به «ما» کافه معروف است، این مطلب را بسیاری از عربی آموختگان می دانند، ولی در ترجمه آیاتی مثل: «انما المؤمنون اخوة» (حجرات: ۱۰) به خطا می روند و این عبارت را اینگونه ترجمه می کنند: «بدرستی که مؤمنان با هم برادرند» یا «فقط مؤمنان، با هم برادرند»، حال آنکه معنای این عبارت چنین است: «مؤمنان، فقط با هم برادرند [و نباید با هم دشمنی کنند]»؛ اشتباه در ترجمه و فهم این عبارت از توجه نکردن به کاربرد «انما» در «حصر در بعید» ناشی می شود. «انما» اجزاء جمله را در جزء دورتر محصور می کند؛ مثلاً معنای دو جمله:

انما یقرأ علی القرآن فی الصباح؛ و

انما یقرأ القرآن فی الصباح علی؛

کاملاً با هم متفاوت است.

اولی یعنی: علی فقط در صبح قرآن می خواند؛ و دومی یعنی: کسی که در صبح قرآن می خواند فقط علی است: (رک: البلاغه الواضحه، بحث قصر و بخش حل تمرین های مربوط به آن).

اینها نمونه هایی است از دهها و دهها مورد از این قبیل موارد در آیات کریمه قرآن که شایسته است برای بسیاری از عربی آموختگان ما - اعم از حوزوی و دانشگاهی - توضیح داده شود؛ و در این مجموعه سعی شده است همه نکات مورد نیاز - اعم از معانی کلمات، قواعد صرفی، نحوی و بلاغی مرتبط با هر عبارت - در جای خود بیان شود.

البته لازم به ذکر است که درک دقیق معانی الفاظ و عبارات قرآن کریم همیشه شرط کافی برای فهم مراد خداوند نیست؛ یعنی برای فهم مراد خداوند متعال، علاوه بر آشنایی با عربی و فهم دقیق معانی الفاظ و عبارات قرآن به چیزهای دیگری نیز نیازمندیم که از مهمترین آنها بیانات معصومین علیهم السلام است.

برای تبیین بهتر این مطلب مثالی می زنیم؛ خداوند متعال می فرماید:

«وَ إِذِ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرَّءْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَ الشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي الْقُرْآنِ» (اسراء: ۶۰) «و آن زمان که به تو گفتیم: پروردگارت به مردم احاطه دارد و خوابی را که به تو نشان دادیم و نیز درخت لعنت شده در قرآن را فقط مایه آزمایش مردم قرار دادیم...».

در این آیه شریفه معانی کلمات و عبارات روشن است ولی مراد خداوند از این «خواب» و «درخت لعنت شده» روشن نیست. معانی الفاظ را می فهمیم ولی مراد خداوند را نمی فهمیم.

علامه طباطبایی (ره) می فرماید: «خداوند سبحان مشخص نکرده است که این خوابی که آن را به پیامبرش نشان داده، چیست؟ و در سایر کلامش (در قرآن) چیزی که شایسته باشد تا این خواب را تفسیر کند نیامده است ... و نیز معلوم نیست این درخت لعنت شده در قرآن که مایه فتنه و آزمایش مردم است چیست؟»<sup>۱</sup> و در ادامه اشاره می کنند که «طبق روایات اهل سنت و شیعه مراد از این خواب، خوابی است که پیامبر در مورد بنی امیه دیده اند که آنها همچون میمون از

۱. المیزان ذیل آیه ۶۰ اسراء: ج ۱۳ (عربی) ص ۱۳۳، ۱۳۴. موسسه الاعلمی، بیروت

منبر پیامبر بالا و پایین می‌روند و مراد از شجره دودمان بنی‌امیه است.»<sup>۲</sup>

پس دانستن معانی الفاظ برای بدست آوردن مراد خداوند، همیشه کافی نیست. ما باید معانی الفاظ و عبارات را دقیق بدانیم و نیز به یاد داشته باشیم که این امر لزوماً شرط کافی نیست، بلکه شرط لازم است.

به هر حال مجموعه‌ای که خواننده گرامی پیش‌رو دارد، کوششی است در همین مسیر، یعنی به دست آوردن شرط لازم برای فهم مراد خداوند؛ و از آنجا که عربی‌آموختگان در کشور ما، با علم صرف و نحو بیشتر از علم لغت آشنا هستند و به نظر می‌رسد، معانی کلمات و عبارات بیش از صرف و نحو و تجزیه و ترکیب، برای این عزیزان مفید باشد، بیشترین حجم مطالب این مجموعه، ترجمه کلمات است و فقط در موارد ضروری به نکات دستوری - اعم از صرف، و نحو و بلاغت - پرداخته شده است.

پیش از این، بخش‌هایی از این مجموعه - یعنی اجزاء ۲۷ تا ۳۰ قرآن کریم - به‌طور مجزا و یک بار هم اجزاء ۲۶ تا ۳۰ در یک مجلد چاپ شده بود. ولی مسؤولین محترم مرکز طبع و نشر قرآن کریم صلاح بر این دیدند که این مجموعه از آغاز قرآن و هر چند جزء در یک مجلد چاپ شود. مطالب این مجموعه شامل ۴ بخش است:

الف) متن آیات قرآن کریم؛

ب) ترجمه آیات شریفه که در صفحات مقابل قرار گرفته است؛

ج) ترجمه کلمات و عبارات و برخی توضیحات نحوی و صرفی این عبارات که در حاشیه کتاب درج شده است؛

د) توضیحاتی که به علت کمبود فضای حاشیه در انتهای کتاب و تحت عنوان «توضیحات تکمیلی» قرار گرفته است.

در ترجمه آیات کریمه سعی شده مفاهیم و معانی به‌طور دقیق به فارسی برگردان شود و در ترجمه حتی‌المقدور از متن اصلی فاصله گرفته نشود و کلمات و عبارات عیناً ترجمه گردد؛ ولی در مواردی که جمع بین انتقال دقیق مفهوم و التزام به ترجمه تک‌تک کلمات و عبارات دشوار بوده، و گاه به روانی ترجمه لطمه می‌زده، ترجمه، اندکی به صورت «ترجمه آزاد» صورت گرفته است.

لازم به ذکر است که در ترجمه آیات، از ترجمه‌ای که در مرکز طبع و نشر توسط آقای محمد فقیهی رضایی با همکاری آقای مرتضی توکلی انجام شده، بهره بسیار گرفته شده است و البته به برخی ترجمه‌های معاصر - از جمله ترجمه‌های: آقای طاهری قزوینی، مرحوم آقای فولادوند، حجت الاسلام و المسلمین انصاریان و آیت‌الله مکارم شیرازی و ... مراجعه و در مواردی نیز از آنها استفاده شده است.

توضیحات مندرج در حاشیه و بخش توضیحات تکمیلی، برگرفته از کتب معتبر لغت، تفسیر، صرف، نحو، بلاغت و حتی در موارد لازم برخی منابع تاریخی و فقهی است؛ که فهرست مفصل آن در آخر کتاب آمده است؛ و در اینجا به عنوان نمونه و مثال به برخی از آنها اشاره می‌شود: صحاح اللغه، مختار الصحاح، لسان‌العرب، تاج‌العروس، معجم‌الفاظ القرآن الکریم (تألیف عده‌ای از علمای معاصر در قاهره)، مجمع‌البیان، الکشاف، البحر المحیط، الصافی، روح‌المعانی، التحریر و التنویر، المیزان، مغنی اللیب، النحو الوافی، شرح‌الشافیه، شرح‌الکافی، مطول، تحریر الوسیله، منهاج‌الصالحین

و ... ؛ که به جهت صرفه‌جویی در فضای حاشیه و نیز صفحات توضیحات تکمیلی، در اکثر موارد برای ارجاع به کتب مورد نظر، به جای نام کامل کتاب از علائم اختصاری استفاده شده است.

در خاتمه از حضرت حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای ملکی که این مجموعه را بازخوانی و بازنگری کردند و جناب آقای سید علی سرسرابی قائم مقام محترم مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران و همکارانشان در این مرکز که در مراحل مختلف تألیف و آماده‌سازی و تصحیح و طبع این ترجمه و حواشی از هیچ کمکی دریغ نفرمودند - از جمله آقای جواد صفری که در امر تصحیح، بازخوانی و برخی فیش‌برداری‌ها و نیز آقای مجید تقی‌زاده که در امر صفحه‌آرایی، بنده را بسیار یاری دادند - صمیمانه تشکر می‌کنم.

امید است این خدمت ناچیز مرضی و مقبول خداوند متعال قرار گیرد و علاقمندان به قرآن کریم را سودمند افتد.

تهران - فروردین ۹۳

حمید رضا مستفید